



## The Locus and Properties of Syntactic Elements Affecting the Domain of Aspectual Interpretation in Persian

Masoumeh Aminifar<sup>1</sup>, Zahra Abolhassani Chimeh<sup>2</sup>, Bahram Modarresi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. E-mail: aminifarsomayeh@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor of Linguistics, Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. E-mail: zabolhassani@hotmail.com
3. Assistant Professor of Linguistic, Department of Linguistics, Faculty of Letters and Humanities, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, Tehran, Iran. E-mail: ba.modarresi@yahoo.com

---

### Article Info

### ABSTRACT

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

**Received:** 08 August 2021

**Received in revised form:**  
23 July 2022

**Accepted:** 29 July 2022

**Available online:** 23  
September 2022

#### Keywords:

aspect,  
lexical aspect,  
event feature,  
minimal domain of  
aspectual interpretation,  
extended domain of  
aspectual interpretation.

Lexical aspect is a semantic feature that concerns how the event described by the verb develops along a timeline. It has two independent features: object-to-event mapping and event feature. The interaction of these two features form a syntactic space within the verb phrase called 'domain of aspectual interpretation'. The main question of the research is: which syntactic elements affect the formation of domain of aspectual interpretation in Persian eventive predicates. To answer this question, the syntactic derivation of achievement and accomplishment verbs and the formation of their domain of aspectual interpretation have been analyzed according to Mac Donald's approach (2006, 2008). The results of the study show that if internal argument is quantified noun or bare plural noun, underspecified event feature will co-index with AspP and finally extended domain of aspectual interpretation is formed. But if internal argument is mass noun, it will co-index with vP and minimal domain of aspectual interpretation is formed. The results also indicate that not only the presence or absence of the [quantity] feature is determinative in defining the aspectual domain of interpretation, but also the existence of AspP and the location of internal argument after moving in tree diagram are effective in defining this domain.

---

**Cite this article:** Aminifar, M., Abolhassani Chimeh, Z. & Modarresi, B. (2022). The locus and properties of syntactic elements affecting the domain of aspectual interpretation in Persian. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (3), 1-22.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6790.1572

---



## جایگاه و ویژگی‌های عناصر نحوی مؤثر بر دامنه خوانش نمودی در زبان فارسی

معصومه امینی فر<sup>۱</sup>، زهرا ابوالحسنی چیمه<sup>۲</sup>، بهرام مدرسی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: aminifarsomayeh@gmail.com

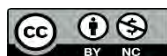
۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: zabolhassani@hotmail.com

۳. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: ba.modarresi@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله
نمود واژگانی مشخصه‌ای معنایی است که نشان می‌دهد رویداد بیان‌شده به وسیله فعل، چگونه در طول زمان به پیش می‌رود و دو ویژگی مستقل؛ انطباق مفعول با رویداد و مشخصه رویداد را دارد. بر اثر تعامل این ویژگی‌ها، فضایی نحوی در گروه فعلی تشکیل می‌شود که آن را دامنه خوانش نمودی می‌نامند. در پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد مک‌دونالد (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸)، چگونگی اشتقاق نحوی محمول‌های حصولی و غایت‌مند و تشکیل دامنه خوانش نمودی در آن‌ها بررسی شده است. بر اساس نتایج پژوهش، در فرایند تشکیل دامنه خوانش نمودی اگر موضوع درونی اسم کمیت‌دار یا اسم جمع عریان باشد، مشخصه نامعین با گروه نمودی هم‌نمایه می‌شود و در نتیجه، دامنه خوانش نمودی گسترده تشکیل می‌شود؛ اما اگر موضوع درونی اسم شمارش‌ناپذیر باشد، با گروه فعلی کوچک هم‌نمایه می‌گردد و دامنه خوانش نمودی کمینه تشکیل می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وجود یا فقدان ویژگی [کمیت] در گروه اسمی به‌تنهایی تعیین‌کننده دامنه خوانش نمودی نیست، بلکه حضور گروه نمود و جایگاه موضوع درونی پس از حرکت در نمودار درختی نیز در تعیین این دامنه اثرگذار است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۴۰۰ تاریخ بازنگری: ۱ مرداد ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۷ مرداد ۱۴۰۱ دسترسی آنلاین: ۱ مهر ۱۴۰۱ واژه‌های کلیدی: نمود، نمود واژگانی، مشخصه رویداد، دامنه خوانش نمودی کمینه، دامنه خوانش نمودی گسترده.

استناد: امینی فر، معصومه؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ مدرسی، بهرام (۱۴۰۱). جایگاه و ویژگی‌های عناصر نحوی مؤثر بر دامنه خوانش

نمودی در زبان فارسی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۳)، ۱-۲۲.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی

## ۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های ساختاری و معناشناختی فعل، مقوله نمود<sup>۱</sup> است که در زبان‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون بازنمایی می‌شود. نمود، چگونگی نگرش به ساختار زمانی درونی یک موقعیت است (کامری<sup>۲</sup>، ۱۹۷۶: ۳). مقوله نمود به‌طور عمده به دو نوع دستوری و واژگانی تقسیم می‌شود. نمود دستوری<sup>۳</sup> که در سطح جمله بررسی می‌شود، به دیدگاهی می‌پردازد که گوینده نسبت به یک رویداد یا بخشی از آن رویداد دارد و به‌طور معمول به وسیله نشانه‌های تصریفی در جملات نمایانده می‌شود (گلغام، ۱۳۸۵: ۷۱). نمود واژگانی<sup>۴</sup> که تراویس<sup>۵</sup> (۱۹۹۱: ۱) آن را نمود درونی<sup>۶</sup> نامیده است، مشخصه‌ای معنایی در درون فعل است که بر وضعیت و موقعیت فعل از لحاظ روند انجام گرفتن فعل دلالت دارد (ابوالحسنی چیمه، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ به بیان دیگر، نمود واژگانی مشخصه‌ای معنایی در فعل است که نشان می‌دهد محمول چگونه رویدادهای زبانی را توصیف می‌کند (مک‌دونالد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶: ۲) و مباحثی مانند لحظه‌ای بودن، نهایت‌پذیر بودن یا ایستایی فعل را دربر می‌گیرد. در واقع نمود دستوری، فعل را به‌عنوان یک محمول رویدادمند می‌کند و نمود واژگانی، ریشه واژگانی فعل را مسئول خوانش ساختار زمانی درونی یک موقعیت می‌کند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که فعل به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده خوانش نمود باشد؛ برای مثال، تفاوت نمودی دو جمله زیر با فعل یکسان «خورد» بیان‌گر این است که فعل به‌تنهایی مسئول خوانش نمودی جمله نیست.

۱) الف. سارا یک کیک خورد.

ب. سارا کیک خورد.

در مثال (۱ الف) فعل «خورد» خوانش نهایت‌پذیر و در مثال (۱ ب) خوانش نهایت‌ناپذیر دارد. این تفاوت ناشی از ماهیت موضوع درونی («یک کیک» در برابر «کیک») است که اولی از نوع اسم کمیّت‌دار و دومی شمارش‌ناپذیر است (مک‌دونالد، ۲۰۰۶: ۲۵).

پیرامون نمود دستوری و ماهیت معنایی نمود واژگانی در زبان فارسی مطالعاتی انجام شده است

1. aspect
2. B. Comrie
3. grammatical aspect
4. lexical aspect
5. L. Travis
6. inner aspect
7. J. E. Mac Donald

(ابوالحسنی چیمه، ۱۳۹۰؛ چراغی و کریمی دوستان، ۱۳۹۲؛ صفا و فلاحی، ۱۳۹۵)، اما تاکنون از دیدگاه نحوی به مبحث دامنه خوانش نمودی<sup>۱</sup> و عناصر نحوی تأثیرگذار در تشکیل این دامنه پرداخته نشده است. هدف اصلی نوشتار پیش رو یافتن عناصر نحوی اثرگذار در ماهیت نحوی و خوانش معنایی نمود واژگانی و مکان یابی این عناصر نحوی در فضایی در گروه فعلی است که این فضا را «دامنه خوانش نمودی» می‌نامند. دامنه خوانش نمودی عبارت است از فضایی نحوی در گروه فعلی که عناصر نحوی مؤثر بر نهایت پذیری یک محمول در آن قرار دارند. به بیان ساده، گروه نمودی و هر آنچه که گروه نمودی بر آن احاطه دارد، دامنه خوانش نمودی را تعریف می‌کنند (مک‌دونالد، ۲۰۰۸: ۸۰).

برخی پژوهش‌گران از جمله کریفکا<sup>۲</sup> (۱۹۸۹: ۷۶) و راشترین<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۱۴۹) گروه‌های اسمی موجود در جمله را روی نهایت‌پذیری محمول اثرگذار می‌دانند و معتقدند که جملات دارای موضوع درونی کمیت‌دار<sup>۴</sup> بر اثر ویژگی انطباق مفعول با رویداد<sup>۵</sup>، خوانش نهایت‌پذیر و جملات دارای موضوع درونی بدون کمیت، خوانش نهایت‌ناپذیر دارند. مثال‌های انگلیسی زیر که برگرفته از مک‌دونالد (۲۰۰۶: ۱) هستند، مؤید این مطلب در مورد ماهیت نمود واژگانی‌اند.

2) a. Jerome drank a cup of tea last night.

b. Jerome drank tea last night.

جمله (۲ a) بیان‌گر یک «رویداد نهایت‌پذیر<sup>۶</sup>» است، زیرا موضوع درونی فعل کمیت مشخصی از جای را نشان می‌دهد و جمله (۲ b) نشان‌دهنده «رویداد نهایت‌ناپذیر<sup>۷</sup>» است، زیرا موضوع درونی کمیت مشخصی از جای را نشان نمی‌دهد. در برخی از زبان‌ها از جمله زبان انگلیسی، از آزمون‌های «قید ظرف زمان<sup>۸</sup>» و «عبارت تداومی<sup>۹</sup>» به‌مثابه معیاری برای تمایز بین رویدادهای نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر استفاده می‌شود. بورر<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۴: ۱۸) از جمله کسانی است که به این آزمون‌ها به‌منزله معیاری برای تقابل بین رویداد نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر اشاره کرده است. در این رویکرد، جملات دارای موضوع درونی کمیت‌دار، با آزمون قید ظرف زمان به‌کار می‌روند و به رویدادی نهایت‌پذیر اشاره دارند، اما جملات

1. domain of aspectual interpretation

2. M. Krifka

3. S. Rothstein

4. quantified

5. object to event mapping

6. telic event

7. Atelic event

8. time span adverbial

9. durative phrase

10. H. Borer

دارای موضوع درونی، فاقد کمیّت (مانند اسم شمارش ناپذیر<sup>۱</sup> و اسم جمع عریان<sup>۲</sup>) با عبارت تداومی به کار می‌روند و به رویدادی نهایت‌ناپذیر اشاره دارند. مثال‌های زیر شاهدی بر تأیید نظر بورر (۱۹۹۴: ۱۸) هستند و در آن‌ها جملاتی که از نظر معنایی با هریک از آزمون‌های پیش‌گفته مطابقت ندارند، با نماد # نمایش داده شده‌اند.

۳) الف. سارا یک فنجان چای را در عرض ده دقیقه نوشید.

ب. # سارا یک فنجان چای را به مدت ده دقیقه نوشید.

ج. سارا به مدت ده دقیقه چای نوشید.

د. # سارا در عرض ده دقیقه چای نوشید.

اما مک‌دونالد (۲۰۰۶: ۷) با نگاهی دقیق‌تر به بررسی این موضوع پرداخته و اشاره کرده است که اسم‌های فاقد کمیّت (اسم جمع عریان و اسم شمارش ناپذیر) خوانش نمودی محمول را به گونه‌ای یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهند و هریک از آن‌ها خوانش‌های نمودی مجزایی دارند. وی این تصوّر را که اسم‌های فاقد کمیّت تنها با عبارت تداومی همراه می‌شوند، صحیح نمی‌داند و برای نشان دادن این ادعا مثال‌های زیر را ارائه نموده است. در این مثال‌ها، جمله حاوی موضوع درونی از نوع اسم جمع عریان (a) زیر) با قید ظرف زمان (in three minutes) همراه شده و دارای خوانش معنایی نهایت‌پذیر از نوع تکریری است که در این خوانش، فاعل در نخستین ساعت مهمانی هر کیک را که می‌خورد آن را در مدت‌زمان سه دقیقه تمام می‌کند<sup>۳</sup>؛ این در حالی است که جمله حاوی اسم شمارش ناپذیر (b) زیر) با قید ظرف زمان همراه نشده و با عبارت تداومی، دارای خوانش معنایی نهایت‌ناپذیر است.

4) a. Dudley ate **cakes** in three minutes (for the 1<sup>st</sup> hour at the party).

b. Dudley ate **cake** # in three minutes (for the 1<sup>st</sup> hour at the party).

با توجه به مثال‌های زیر، به نظر می‌رسد که دو آزمون یادشده در تمایز رویدادهای نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر در زبان فارسی نقش کلیدی دارند، اما این دیدگاه برخی از پژوهش‌گران از جمله بورر (۱۹۹۴: ۱۸) که تنها اسم‌های بدون کمیّت با آزمون عبارت تداومی به کار می‌روند و نمی‌توانند با آزمون قید ظرف زمان همراه شوند، صحیح نیست.

1. mass noun

2. bare plural noun

۳. این خوانشی است که یک انگلیسی‌زبان بومی از جمله a) دارد و ممکن است با خوانشی که یک فارسی‌زبان دارد متفاوت باشد.

۵ الف. سارا یک کیک را در عرض یک دقیقه خورد.

ب. سارا کیک‌ها را در عرض یک دقیقه خورد.

ج. مریم یک بشقاب را پنج دقیقه‌ای شست.

د. مریم بشقاب‌ها را پنج دقیقه‌ای شست.

در مثال‌های (۵ الف) و (۵ ج) موضوع درونی از نوع اسم کمیت‌دار است و جمله خوانش نمودی نهایت‌پذیر دارد؛ اما در مثال‌های (۵ ب) و (۵ د) موضوع درونی از نوع اسم جمع عریان و فاقد کمیت است و جمله به لحاظ خوانش معنایی، مانند مثال (۵ الف)، دارای خوانش نمودی نهایت‌پذیر است؛ با این تفاوت که در (۵ ب) و (۵ د)، خوانش توالی رویدادهای مشابه را داریم؛ یعنی خوانشی که در آن یک رویداد مشابه (خوردن کیک یا شستن بشقاب) چندبار پیاپی تکرار می‌شود و در هر تکرار، عمل بیان‌شده به وسیله فعل روی یک مفعول متفاوت، یعنی هر بار روی یک کیک یا یک بشقاب متفاوت، انجام می‌گیرد.

۶ سارا به مدت یک دقیقه کیک خورد.

در جمله (۶) موضوع درونی اسمی شمارش‌ناپذیر و فاقد کمیت است که همراه با عبارت تداومی (به مدت یک دقیقه)، خوانش نمودی نهایت‌ناپذیر دارد (مک‌دونالد، ۲۰۰۶: ۲۵). علت این تفاوت‌هایی که در خوانش نمودی در مثال‌های پیش گفته مشاهده می‌شود، جایگاه نحوی موضوعات درونی و نوع آن‌ها در تشکیل دامنه خوانش نمودی است که در پژوهش حاضر به آن خواهیم پرداخت. پرسش اصلی که نوشتار پیش رو می‌کوشد به آن پاسخ دهد این است که عناصر نحوی مؤثر بر چگونگی تشکیل دامنه‌های خوانش نمودی در محمول‌های رویدادی کدام‌اند؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش، به بررسی نحوه اشتقاق نحوی محمول‌های حصولی<sup>۱</sup> و غایت‌مند<sup>۲</sup> در دامنه خوانش نمودی و نیز جایگاه این دامنه در ساختار جملات زبان فارسی براساس آراء مک‌دونالد (۲۰۰۸) خواهیم پرداخت.

پژوهش‌های کمابیش قابل توجهی درباره نمود واژگانی افعال با رویکرد نحوی در زبان‌های مختلف انجام شده است. در ادامه، ابتدا به سه رویکرد نحوی اشاره می‌شود که در بیان تفاوت محمول‌های نمودی تلاشی نکرده‌اند و فقط به تناوب نهایت‌پذیری و نهایت‌ناپذیری پرداخته‌اند؛ سپس به معرفی رویکردی پرداخته می‌شود که به طور خاص بر تفاوت محمول‌های نمودی تمرکز دارد.

اولین رویکرد، رویکرد فرافکن نقشی دوتایی<sup>۱</sup> است که بورر (۱۹۹۴) و ریتز و روزن<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) به آن پرداخته‌اند. در این رویکرد دو فرافکن نقشی آغاز<sup>۳</sup> رویداد و نهایت‌پذیری، در ساخت رویداد<sup>۴</sup> محمول دخالت دارند. بورر (۱۹۹۴: ۱۸) جایگاه فرافکن نقشی آغاز رویداد را بالای گروه فعلی کوچک (vp) می‌داند که با حرکت یک گروه حرف تعریف (DP) به مشخص‌گر این فرافکن، این فرافکن نقش آغاز‌گر یا مسبب رویداد را می‌یابد. در این تحلیل، جایگاه فرافکن نقشی نهایت‌پذیری بالای گروه فعلی بزرگ (VP) است که با حرکت یک گروه حرف تعریف به مشخص‌گر این فرافکن، نهایت‌پذیری رویداد در انطباق مفعول با رویداد مشخص می‌شود. ریتز و روزن (۱۹۹۸) در مورد محمول‌های کنشی متعدی<sup>۵</sup> معتقدند که این نوع محمول‌ها به‌علت نبود گروه فرافکن نقشی نهایت‌پذیری، مانند محمول‌های ایستا<sup>۶</sup> ساخت رویدادی ندارند.

در بررسی دیدگاه ریتز و روزن چند نکته قابل توجه وجود دارد که با توجه به مطالعات معنایی و نحوی که تاکنون در مورد نمود واژگانی انجام شده، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد. نکته اول اینکه فاعل که موضوع بیرونی است، به‌مثابه فرافکن نقشی آغاز در خوانش نمودی محمول معرفی شده است و نکته دیگر اینکه ریتز و روزن (۱۹۹۸) محمول‌های کنشی متعدی و ایستا را به‌علت نداشتن فرافکن نقشی نهایت‌پذیری فاقد ساخت رویداد می‌دانند. در واقع ریتز و روزن (۱۹۹۸: ۱۵۹) دارستن ساخت رویداد را منوط به وجود هر دو فرافکن نقشی آغاز رویداد و فرافکن نقشی نهایت‌پذیری می‌دانند و دو ویژگی ساخت رویداد و انطباق مفعول با رویداد را در نمود واژگانی مستقل از یکدیگر نمی‌دانند.

دومین رویکرد نحوی، رویکرد فرافکن نقشی منفرد<sup>۷</sup> است که رامچند<sup>۸</sup> (۱۹۹۳: ۴۲۲) به آن پرداخته است. وی فرافکن نقشی منفرد را به‌منزله محاسبه‌گر<sup>۹</sup> ویژگی نمودی محمول بین گروه زمان و گروه فعلی می‌داند و در بررسی نمود در زبان گالیک اسکاتلند (۱۹۹۳: ۱۸)، موضوع تحت حاکمیت نمود در مشخص‌گر گروه فعلی را پذیرا<sup>۱۰</sup> و موضوع تحت حاکمیت گروه فعلی را ناپذیرا<sup>۱۱</sup> می‌نامد. وی در

1. double functional projection
2. E. Ritter & S. Rosen
3. initiation
4. event structure
5. transitive activity
6. stative
7. single functional projection
8. G. Ramchand
9. calculator
10. patient
11. non-patient



تحلیل خود عنوان می‌کند که خوانش پذیرای یک محمول هنگامی است که فعل نمود کامل<sup>۱</sup> داشته باشد و در این صورت محمول نهایت‌پذیر است، اما خوانش ناپذیرای محمول هنگامی است که فعل نمود ناقص<sup>۲</sup> داشته است که در این صورت محمول نهایت‌ناپذیر خواهد بود؛ افزون بر این، رامچند (۱۹۹۳: ۴۱۸) معتقد است که زمان گذشته بدون توجه به ساخت مفعول گروه اسمی یک خوانش نهایت‌پذیر تولید می‌کند. در نهایت با توجه به توضیحات رامچند (۱۹۹۳) این گونه به نظر می‌رسد که در گالیک اسکاتلند انطباق مفعول با رویداد وجود ندارد.

سومین رویکرد، رویکرد بدون فراقکن نقشی<sup>۳</sup> است که هارلی<sup>۴</sup> (۲۰۰۵: ۵۰) آن را معرفی کرده است. وی با تأکید بر افعال اسمی، ساختار زیر را برای جمله<sup>۷</sup> ارائه نموده است.

#### 7) The mare foaled.



شکل (۱). ساختار جمله<sup>۷</sup> (هارلی، ۲۰۰۵: ۵۰)

هارلی (۲۰۰۵) محدودیت و عدم محدودیت ذاتی ریشه فعل را مسئول کنترل نهایت‌پذیری و نهایت‌ناپذیری محمول می‌داند؛ برای مثال چون ریشه foal (به معنای زاییدن گُره) ذاتاً محدود است، محمول حاصل نیز نهایت‌پذیر است؛ اما چون drool (به معنای آب از دهان راه‌افتادن) ذاتاً نامحدود است، محمول حاصل نیز نهایت‌ناپذیر است. توجه هارلی (۲۰۰۵) تنها معطوف به نهایت‌پذیر بودن و نهایت‌ناپذیر بودن محمول‌ها است و در مورد تفاوت محمول‌های نمودی از جمله محمول‌های حصولی و غایت‌مند توضیح واضحی نمی‌دهد.

تراویس (۲۰۱۰: ۱۴۲) نظر وندلر<sup>۵</sup> (۱۹۶۷: ۲۰۲) را در استفاده از دو مؤلفه فرایند و نهایت‌پذیری برای بیان تفاوت بین محمول‌های نمودی می‌پذیرد و توضیح واضح تری در مورد نمود و اژگانی و تفاوت بین محمول‌های نمودی ارائه می‌دهد. وی با توجه به انطباق مفعول با رویداد، ویژگی فرایند را که محمول‌های حصولی و ایستا را از یک‌سو و محمول‌های غایت‌مند و کنشی را از دیگر سو از هم جدا

1. perfective
2. imperfective
3. non-functional projection
4. H. Harley
5. Z. Vendler

می‌کند، در  $V_1$  در نظر می‌گیرد و ویژگی نهایت‌پذیری را که محمول‌های حصولی و غایت‌مند را از محمول‌های ایستا و کنشی جدا می‌کند، در هسته نمود در نظر می‌گیرد. تراویس (۲۰۱۰) عنوان می‌کند برای اینکه پذیرنده‌ای قادر به اندازه‌گیری یک محمول باشد، باید به مشخص‌گر گروه نمودی حرکت کند و در واقع وارد رابطه مطابقه با نمود گردد که این عمل، انطباق مفعول با رویداد را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، ساخت رویداد به وسیله مشخصه ویژه محمول تعیین می‌شود. در نهایت، تراویس انطباق مفعول با رویداد و ساخت رویداد را دو ویژگی مستقل می‌داند.

افزون بر رویکردهای نحوی که تا به اینجا معرفی شدند، مطالعات دیگری نیز درباره نمود واژگانی انجام شده است. در یکی از جدیدترین مطالعات، چوک<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) با بررسی نمود واژگانی افعال در دو زبان غیر مرتبط چینی و اسلوانی، اشاره می‌کند که پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که طبقه‌بندی وندلر (۱۹۶۷) در مورد تمامی زبان‌ها کاربرد ندارد. نتایج کلی پژوهش چوک (۲۰۲۰) بیان‌گر آن است که نمی‌توان طبقه‌بندی نمودی واحدی برای افعال تمامی زبان‌ها، حتی برای زبان‌هایی مانند انگلیسی و اسلوانی که در یک رده زبانی هستند، ارائه نمود.

درباره مقوله نمود واژگانی در زبان فارسی چندین پژوهش در چارچوب‌های زایشی و نقش‌گرا انجام شده است؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها تأثیر جایگاه و نوع عناصر نحوی جمله بر تشکیل دامنه خوانش نمودی را بررسی نکرده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۰)، چراغی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲) اشاره کرد. ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۰) نمود واژگانی در افعال فارسی را به دو دسته کلی ایستا و پویا تقسیم کرده و افعال پویا را مشتمل بر دو دسته لحظه‌ای و تداومی دانسته است. به باور وی، افعال لحظه‌ای قابل تفکیک لحظه‌ای کوتاه و فرایندی - لحظه‌ای هستند و افعال تداومی را می‌توان مشتمل بر نهایت‌پذیر و نهایت‌ناپذیر دانست. چراغی و کریمی‌دوستان (۱۳۹۲) افعال زبان فارسی را در چارچوب رویکرد کرافت<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) از لحاظ ساخت نمودی طبقه‌بندی کرده‌اند. طبقه‌بندی آن‌ها مشتمل بر چهار طبقه اصلی و ده طبقه فرعی است که طبقات اصلی عبارت‌اند از: ایستا، حصولی، غایت‌مند و فعالیتی.

نوشتار پیش رو در چهار بخش سازمان‌دهی شده است. در بخش بعدی به مبانی نظری پژوهش معرفی خواهد شد. در بخش سوم، دامنه خوانش نمودی و عوامل مؤثر بر تشکیل این دامنه در

محمول‌های رویدادی زبان فارسی بررسی می‌شوند. در نهایت، در بخش چهارم، نتیجه‌گیری پژوهش ارائه خواهد شد.

## ۲- مبانی نظری

اگر رویداد یا موقعیت بیان‌شده به وسیله یک فعل، نقطه پایان درونی و ذاتی داشته باشد، آن فعل را نهایت‌پذیر می‌گویند، مانند «بسته را داخل خانه بردم». اگر رویداد یا موقعیت بیان‌شده به وسیله فعل دارای نقطه پایان نباشد، آن را نهایت‌ناپذیر می‌نامند، مانند «سگ استخوان را به‌دور حیاط می‌چرخاند» (براون و میلر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۴۰). در نمودارهای درختی مقوله نمود را به وسیله فرافکن نمود نشان می‌دهند. مک‌دونالد (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) جایگاه فرافکن نمود را بین دو لایه لارسنی گروه فعلی، یعنی بین گروه فعلی کوچک و گروه فعلی بزرگ<sup>۲</sup> می‌داند. وی علت انتخاب این جایگاه را توزیع اسم‌های جمع عریان و اسم‌های شمارش‌ناپذیر در خوانش نمودی و تشکیل دامنه خوانش نمودی می‌داند. این دیدگاه مک‌دونالد با دیدگاه پژوهش‌گرانی همچون تراویس (۲۰۱۰) هم‌سو و با دیدگاه پژوهش‌گرانی مانند رامچند (۱۹۹۳) ناهم‌سو است که جایگاه گروه نمود را بلافاصله بالاتر از گروه فعلی دانسته و به حرکت مفعول به مشخص‌گر گروه نمود قائل است.

نمود واژگانی دو ویژگی مستقل دارد. اولین ویژگی عبارت است از انطباق مفعول با رویداد که بازنمایی نحوی آن، با حرکت موضوع درونی کمیت‌دار به مشخص‌گر فرافکن نقشی گروه نمود و حرکت موضوع درونی اسم شمارش‌ناپذیر به هسته گروه نمود صورت می‌گیرد. براساس الگوی مک‌دونالد (۲۰۰۸)، گروه‌های اسمی که در جایگاه مفعول مستقیم قرار دارند، با شرط داشتن ویژگی [+کمیت] به جایگاه مشخص‌گر گروه نمود حرکت می‌کنند تا با رابطه مطابقه، ارزش هسته گروه نمود را از لحاظ مشخصه کمیت تعیین کنند و در واقع به آن ارزش [+کمیت] بدهند.

اسم‌های شمارش‌ناپذیر اگر مفعول مستقیم باشند، به هسته فرافکن نمود حرکت می‌کنند و اسم‌های جمع عریان نیز اگر مفعول مستقیم باشند، می‌توانند به مشخص‌گر این فرافکن نقشی حرکت کنند و در خوانش نمودی سهم شوند (مفیدی نیستانک، ۱۳۹۰: ۴۴).

ویژگی انطباق مفعول با رویداد با مفاهیم نهایت‌پذیری و نهایت‌ناپذیری در پیوند است. همان‌گونه که در مقدمه مطرح شد، مک‌دونالد (۲۰۰۶: ۷-۸) نمود واژگانی را در ارتباط با مفاهیم نهایت‌پذیری و

1. K. Brown & J. Miller

۲. لارسن (۱۹۸۸) جایگاه گروه نمودی را بین گروه فعلی کوچک و گروه فعلی بزرگ دانسته و مک‌دونالد نیز از او پیروی کرده است.

نهایت ناپذیری با دقت نظر بیشتری بررسی کرده است و برخلاف بیشتر نویسندگان از جمله کریفکا (۱۹۸۹: ۷۶) و راشیتن (۲۰۰۴: ۱۴۹) معتقد است که تنها وجود انواع گروه اسمی بدون کمیت «اسم جمع عریان» و «اسم شمارش ناپذیر» در جایگاه موضوع درونی بیان‌گر نهایت ناپذیر بودن رویداد نخواهد بود و خوانش‌های معنایی نمودی هر یک از محمول‌های رویدادی بر حسب نوع گروه اسمی بدون کمیت متفاوت است. مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۵۴) بر این باور است که توزیع اسم‌های جمع عریان و اسم‌های شمارش ناپذیر پس از حرکت در نمودار درختی در نهایت‌پذیری و تشکیل دامنه خوانش نمودی اثرگذار است.

از دیدگاه مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۴۱)، جملات دارای موضوع درونی اسم شمارش ناپذیر، از خوانش معنایی نمودی «نهایت‌ناپذیر» برخوردارند؛ برای مثال در جمله زیر به علت حضور یک اسم شمارش ناپذیر در جایگاه موضوع درونی، محمول نمودی فقط یک خوانش نهایت‌ناپذیر دارد که حاصل ویژگی «بدون کمیت» موضوع درونی است. در این خوانش نهایت‌ناپذیر، رویداد آغاز شده؛ اما پیش از رسیدن به نقطه پایان متوقف شده است.

#### 8) The kid pushed **stereo equipment** in the garage for an hour.

به باور مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۴۶-۴۷)، اگر موضوع درونی از نوع اسم جمع عریان باشد، خوانش نمودی نهایت‌پذیر خواهد داشت. وی این مسئله را به کمک مثال‌های (۹) و (۱۰) نشان می‌دهد.

#### 9) The girl ate **cookies** (in the afternoon).

از نظر مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۴۶)، در نگاه اول در جمله بالا، اسم جمع عریان مصداقی مبهم مانند اسم شمارش ناپذیر دارد و مقدار شیرینی خورده شده مشخص نیست. وی این خوانش را محتمل‌ترین خوانشی می‌داند که بیشتر پژوهش‌گران (مانند ریتز و روزن، ۱۹۹۸؛ تنی، ۱۹۸۷) را مجاب کرده است که بپذیرند اسم‌های شمارش ناپذیر و اسم‌های جمع عریان اثر نمودی مشابه روی محمول دارند؛ اما مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۴۷) با افزودن عبارت تداومی *in ten second for an hour* که به شکل‌گیری جمله (۱۰) منجر می‌شود، خوانش نمودی «توالی رویدادهای مشابه آ» را معرفی کرده و عنوان می‌کند که در این جمله با وجود اسم جمع عریان در جایگاه موضوع درونی و در کنار محمول غایت‌مند، خوانشی نهایت‌پذیر داریم. در این نوع خوانش که خوانشی نهایت‌پذیر و تکریری است، هربار یک مفعول مجزاً عمل بیان‌شده به وسیله فعل را در زیررویدادهای تکریری تجربه کرده و یک توالی از زیررویدادهای

1. C. Tenny

2. sequence of similar event

مشابه شکل می‌گیرد.

#### 10) The girl ate **cookies** in ten second for an hour.

در نهایت، مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۵۴) جایگاه اثرگذاری اسم جمع عریان و اسم شمارش‌ناپذیر بر تشکیل دامنه خوانش نمودی را به جایگاه موضوع درونی محدود می‌کند. وی جایگاه نحوی اسم شمارش‌ناپذیر را پس از حرکت از جایگاه موضوع درونی به منظور تشکیل دامنه نمودی، در هسته گروه نمودی می‌داند؛ اما جایگاه نحوی اسم جمع عریان و اسم کمیّت‌دار مشخص را پس از حرکت از جایگاه موضوع درونی به منظور تشکیل دامنه نمودی، در مشخص‌گر گروه نمودی در نظر می‌گیرد.

دومین ویژگی نمود واژگانی این است که هر گروه نمودی دارای یک مشخصه رویدادی<sup>۱</sup> است که این مشخصه، دو زیررویداد «آغاز» و «پایان» دارد. این زیررویدادها خوانش‌پذیر و دارای محتوای معنایی هستند و به حوزه واژگان تعلق دارند. این زیررویدادها در فرایندهای نحوی حضور دارند و با قرارگیری روی هسته‌های نحوی، وارد نحو می‌شوند و سپس به فرافکن پیشینه تبدیل خواهند شد. حضور یا غیبت این زیررویدادها و رابطه آن‌ها با یکدیگر باعث شکل‌گیری و طبقه‌بندی انواع محمول‌های نمودی می‌گردد (مک‌دونالد، ۲۰۰۸: ۷۴).

مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۷۵) مشخصه «آغاز» را در همه محمول‌های نمودی به فرافکن نمود محدود می‌کند و اعتقاد دارد که فرافکن نمود در مرحله ادغام وارد اشتقاق می‌شود و زیررویداد «آغاز» روی آن قرار می‌گیرد. از آنجاکه محمول‌های ایستا فرافکن گروه نمود ندارند، مشخصه رویداد نیز ندارند. محمول‌های کنشی به علت نهایت‌ناپذیربودن، فاقد زیررویداد «پایان» هستند. محمول‌های حصولی و غایت‌مند هر دو زیررویداد «آغاز» و «پایان» را دارند، اما جایگاه زیررویداد «پایان» در آن‌ها متفاوت است. در محمول حصولی هر دو زیررویداد یادشده روی هسته گروه نمود قرار می‌گیرند و بین آن‌ها رابطه تسلط سازه‌ای برقرار نیست، اما در محمول غایت‌مند معیار زیررویداد «آغاز» روی هسته گروه نمود و زیررویداد «پایان» روی هسته گروه فعلی قرار می‌گیرد و بین آن‌ها رابطه تسلط سازه‌ای برقرار می‌شود؛ همچنین در محمول‌های غایت‌مند حرف اضافه‌ای<sup>۲</sup> نیز براساس نظر مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۷۵)، زیررویداد «آغاز» روی هسته گروه نمود و زیررویداد «پایان» روی هسته گروه حرف اضافه قرار می‌گیرد و اولی بر دومی تسلط سازه‌ای دارد. در نهایت، بر اثر تعامل دو ویژگی یادشده، دامنه خوانش نمودی شکل می‌گیرد.

#### 1. event feature

۲. محمول‌های کنشی متعدی با قرار گرفتن در کنار گروه حرف اضافه هدف به محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای تبدیل می‌شوند.

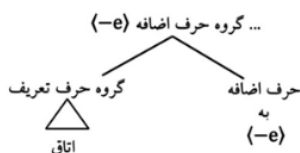
## ۳- بررسی داده‌ها

با توجه به مطالب مطرح شده در بخش مبانی نظری و براساس رویکرد مک‌دونالد (۲۰۰۸: ۴۶-۵۴)، در این بخش اشتقاق نحوی محمول‌های حصولی و غایت‌مند در زبان فارسی با انواع موضوعات درونی کمیت‌دار و بدون کمیت، در قالب نمودارهای درختی تحلیل می‌شوند تا چگونگی تشکیل دامنه خوانش نمودی و نهایت‌پذیری محمول‌ها در آن‌ها تبیین گردد. نمودارهای درختی این بخش براساس ردفورد<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، آجر<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) و نیز میرعمادی (۱۳۷۹) ترسیم شده‌اند. در رسم نمودارهای درختی، جایگاه فاعل، به عنوان موضوع بیرونی، در مشخص‌گر گروه فعلی کوچک در نظر گرفته شده است که طی فرایند اشتقاق نحوی به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان بیشینه حرکت می‌کند.

از آنجا که به لحاظ ساختاری فاعل بالاتر از گروه نمود قرار می‌گیرد و در تشکیل دامنه خوانش نمودی نقشی ندارد، آن را در نمودارهای درختی نوشتار پیش رو نشان نداده‌ایم؛ همچنین، به پیروی از (مک‌دونالد، ۲۰۰۸)، در اشتقاق محمول‌های حصولی و غایت‌مند، مشخصه رویداد نامعینی، به نام <e> در نظر گرفته‌ایم که خوانش خود را براساس محیط نحوی‌اش دریافت می‌کند. این مشخصه که در واقع همان زیررویداد پایان است، در محمول حصولی روی هسته گروه نمود، در محمول غایت‌مند معیار روی گروه فعلی و در محمول‌های غایت‌مند حرف اضافه‌ای روی حرف اضافه قرار می‌گیرد. علت نام‌گذاری <e> به مثابه مشخصه رویداد نامعین این است که در تمامی اشتقاق‌ها تا زمان ادغام موضوع درونی و حرکت آن، مشخص نیست که آیا این مشخصه در دامنه خوانش نمودی مشارکت خواهد کرد یا خیر؛ و همچنین معلوم نیست که در نهایت با چه گروهی هم‌نمایه خواهد شد.

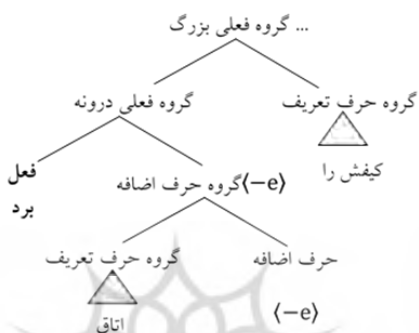
در ادامه بحث، ابتدا به توضیح مرحله به مرحله اشتقاق نحوی یک محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای با موضوع درونی کمیت‌دار پرداخته می‌شود. در مثال زیر گروه حرف اضافه «به اتاق» (با نقش هدف)، محمول کنشی «بردن» را به یک محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای تبدیل کرده است.

(۱) مریم کیفش را به اتاق برد.



شکل (۲). ادغام مشخصه رویداد نامعین <e> با گروه حرف تعریف (یافته‌های پژوهش)

در واژگان، حرف اضافه «به» با مشخصه رویداد نامعین  $\langle -e \rangle$  همراه است. بدین معنا که هرگاه این حرف اضافه وارد نحو می‌شود، مشخصه  $\langle -e \rangle$  را معرفی می‌کند. در شکل (۲)، این مشخصه در ادغام با یک گروه حرف تعریف (اتاق)، گروه حرف اضافه را شکل می‌دهد و پس از ادغام این گروه با فعل، گروه فعلی درونه تشکیل می‌گردد. با ادغام این گروه فعلی درونه با گروه حرف تعریف کمیّت‌دار که موضوع درونی است، گروه فعلی بزرگ شکل می‌گیرد که در شکل زیر نشان داده شده است.



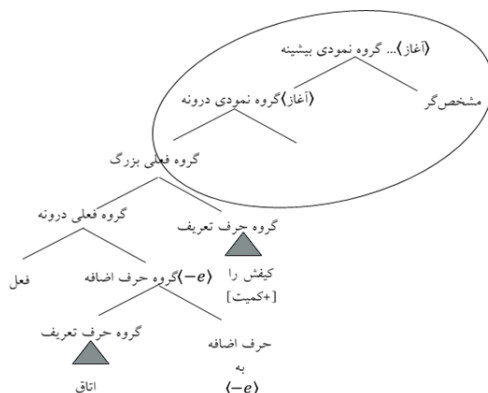
شکل (۳). اشتقاق جمله «مریم کیفش را به اتاق برد» (یافته‌های پژوهش)

در این نقطه از اشتقاق، مشخصه  $\langle -e \rangle$  روی حرف اضافه با اینکه با موضوع درونی کمیّت‌دار (کیفش) ادغام شده، اما هنوز خوانشی دریافت نکرده است. به همین دلیل، ویژگی [+ کمیّت] روی موضوع درونی تا زمانی که هسته گروه نمودی ادغام نشود، هیچ نقش نمودی ایفا نمی‌کند. پس از این مرحله، گروه فعلی بزرگ با هسته نمود ادغام می‌شود و گروه نمودی درونه و درنهایت گروه نمودی بیشینه تشکیل می‌گردد. این مراحل در شکل (۴) نشان داده شده‌اند.

در پژوهش حاضر به پیروی از درزی (۱۳۸۸)، بر این باوریم که تکواژ «را» تظاهر حالت وابسته در حوزه  $V + I$  است. درزی براساس نظام حالت وابسته ارائه شده به وسیله بیکر و وینوکوروا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) و بیکر (۲۰۱۵) و هم‌سو با بابلیک<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، جایگاه مفعول گیرنده تکواژ «را» را در مشخص‌گر گروه فعلی بزرگ (پایین‌تر از گروه فعلی کوچک) و جایگاه فاعل را مشخص‌گر گروه فعلی کوچک در یک حوزه در نظر گرفته است تا گروه حرف تعریف مفعول مستقیم تحت سازه فرمانی گروه حرف تعریف فاعل، زمینه اعطای حالت مفعولی را بیابد. در نمودارهای درختی تکواژ «را» نیز در کنار مفعول در مشخص‌گر گروه فعلی بزرگ ظاهر می‌شود.

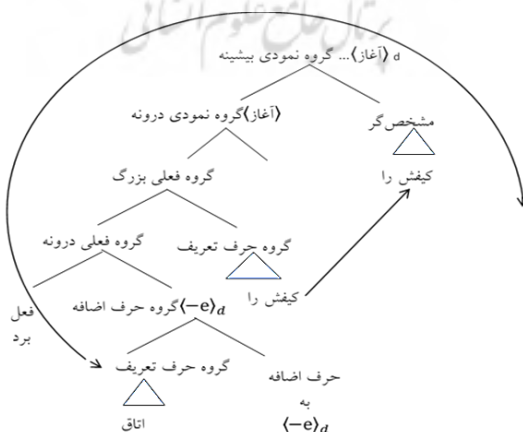
1. M. Baker & N. Vinokurova

2. J. D. Bobaljik



شکل (۴). ادغام گروه نمودی در جمله «مریم کیفش را به اتاق برد» (یافته‌های پژوهش)

در شکل (۴)، دامنه خوانش نمودی فقط به گروه نمودی و هسته نمود محدود می‌شود که دامنه کمینه خوانش نمودی است؛ اما وقتی گروه اسمی کمیّت‌دار، در جایگاه موضوع درونی، با حرکت خود به مشخص‌گر گروه نمودی، هسته نمود را ارزش‌گذاری کند و انطباق مفعول با رویداد صورت گیرد، آنگاه دامنه خوانش نمودی بر هر آنچه به وسیله گروه نمودی احاطه شده است، گسترده می‌شود. پس مشخصه  $\langle -e \rangle$  روی حرف اضافه در این حوزه قرار می‌گیرد و در دامنه خوانش نمودی سهیم می‌گردد. در واقع، دامنه خوانش نمودی از گروه نمودی بیشینه آغاز می‌شود و بر هر آنچه در احاطه‌اش باشد، اثر می‌گذارد و به این ترتیب گسترده خواهد شد. در پایان مشاهده می‌شود که مشخصه  $\langle -e \rangle$  با گروه نمودی (با نمایه  $d$ ) هم‌نمایه می‌گردد تا معلوم شود این مشخصه در چه دامنه‌ای خوانش می‌شود. پس از آنجا که هر دو زیررویداد «آغاز» و «پایان» در دامنه خوانش نمودی هستند، رویداد توصیف‌شده به وسیله محمول، در حضور گروه اسمی کمیّت‌دار رویدادی نهایت‌پذیر است.



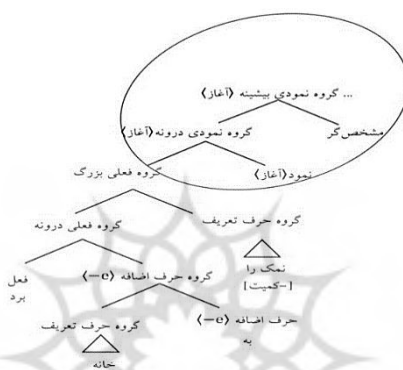
شکل (۵). دامنه خوانش نمودی گسترده در محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای با موضوع درونی کمیّت‌دار (یافته‌های پژوهش)



در جملاتی که محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای با موضوع درونی بدون کمیت اسم شمارش ناپذیر دارند، دامنه خوانش نمودی کمینه خواهد بود که به گروه نمود و هسته آن محدود می‌شود. این موضوع را می‌توان با مثال زیر توضیح داد:

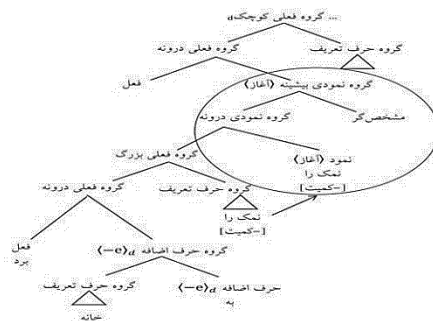
(۱۲) مریم نمک را به آشپزخانه برد.

اشتقاق نحوی این جمله تا نقطه ادغام هسته نمود به‌طور دقیق شبیه جمله پیش (شکل ۵) و دامنه خوانش نمودی، دامنه‌ای کمینه است.



شکل (۶). ادغام گروه نمودی در جمله «مریم نمک را به آشپزخانه برد» (یافته‌های پژوهش)

در شکل (۶) در زمان ادغام هسته گروه نمود، دامنه خوانش محدود به گروه نمودی بیشینه خواهد بود و چون اسم شمارش ناپذیر واقع در جایگاه موضوع درونی (نمک) به این هسته حرکت می‌کند، بنابراین دامنه خوانش نمودی گسترده نمی‌شود. پس مشخصه  $<e>$  روی هسته حرف اضافه نقشی در خوانش نمودی محمول ندارد، بیرون از دامنه خوانش نمودی قرار می‌گیرد و در نهایت با گروه فعلی کوچک (در حوزه بالاتر بعدی) هم‌نمایه می‌شود. از آنجا که فقط زیررویداد «آغاز» در دامنه خوانش نمودی قرار داد و موضوع درونی، اسمی شمارش ناپذیر است، رویداد نهایت‌ناپذیر است.

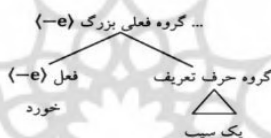


شکل (۷). دامنه خوانش نمودی کمینه در محمول غایت‌مند حرف اضافه‌ای با موضوع درونی اسم شمارش ناپذیر (یافته‌های پژوهش)

در تبیین اثر اسم شمارش‌ناپذیر در جایگاه موضوع درونی روی خوانش نمودی، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که چون اسم شمارش‌ناپذیر در این جایگاه نزدیک‌ترین گروه اسمی به نمود است و براساس ماهیت رابطه مطابقه که رابطه‌ای موضعی بین یک گروه اسمی و گروه فعلی است، باید نزدیک‌ترین گروه اسمی را با نمود مطابقت پیدا کرده و آن را ارزش‌گذاری کند؛ بنابراین، اسم شمارش‌ناپذیر از جایگاه موضوع درونی به هسته گروه نمودی حرکت کرده و با آن مطابقت پیدا می‌کند. در نتیجه، خوانش نمودی نهایت‌ناپذیر حاصل می‌شود.

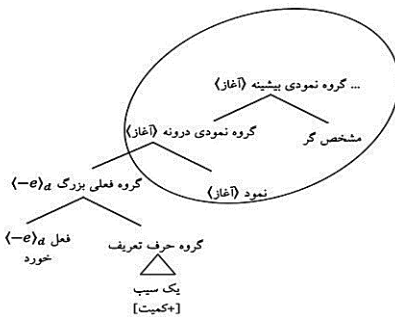
اشتقاق نحوی محمول‌های غایت‌مند معیار نیز شبیه اشتقاق محمول‌های غایت‌مند حرف اضافه‌ای است، با این تفاوت که مشخصه  $\langle e \rangle$  روی هسته گروه فعلی بزرگ قرار می‌گیرد. این موضوع را با مثال زیر شرح می‌دهیم:

۱۳) مریم یک سیب خورد.



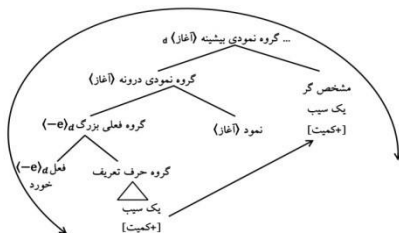
شکل (۸). ادغام فعل «خورد» با یک گروه حرف تعریف (یافته‌های پژوهش)

در اشتقاق پیش‌گفته، پس از ادغام فعل «خورد» با یک گروه حرف تعریف، برچسب مقوله فعل به گروه فعلی بزرگ فرافکن می‌شود. در این نقطه از اشتقاق، مشخصه  $\langle e \rangle$  واقع وی فعل، با وجود ادغام با موضوع درونی کمیت‌دار (یک سیب) هنوز هیچ خوانشی دریافت نمی‌کند. ویژگی کمیت در موضوع درونی تا زمان ادغام گروه نمودی هیچ اثری روی خوانش نمودی ندارد. پس از ادغام نیز دامنه خوانش نمودی فقط به گروه نمودی و هسته آن محدود می‌شود و دامنه حداقلی خوانش نمودی را تشکیل می‌دهد که این موضوع در شکل (۹) مشاهده می‌شود.



شکل (۹). ادغام گروه نمودی در جمله «مریم یک سیب خورد» (یافته‌های پژوهش)

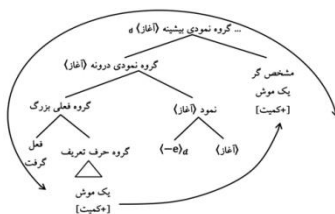
پس از حرکت موضوع درونی کمیت‌دار از مشخص‌گر گروه فعلی بزرگ به مشخص‌گر گروه نمودی، انطباق مفعول با رویداد صورت می‌گیرد، هسته نمود ارزش‌گذاری می‌شود و در نهایت دامنه خوانش نمودی روی هر آنچه به وسیله گروه نمودی احاطه شده، گسترده می‌شود؛ همچنین، مشخصه  $e$  با گروه نمودی هم‌نمایه می‌گردد (نمایه  $d$ ) و حاصل آن رویدادی نهایت‌پذیر است.



شکل (۱۰). دامنه خوانش نمودی گسترده در محمول غایت‌مند معیار (یافته‌های پژوهش)

اکنون براساس مثال زیر، اشتقاق محمول حصولی با موضوع درونی کمیت‌دار را شرح می‌دهیم:  
(۱۴) آرشا یک موش گرفت.

«گرفتن» محمول حصولی است و مشخصه نامعین  $e$  روی هسته نمودی قرار دارد. در این اشتقاق، پس از ادغام فعل «گرفت» با یک گروه حرف تعریف (یک موش)، گروه فعلی بزرگ تشکیل می‌شود. پس از تشکیل گروه‌های نمودی درونه و پیشینه، هنوز مشخصه  $e$ ، با وجود ادغام با موضوع درونی کمیت‌دار، هیچ خوانشی دریافت نمی‌کند؛ بنابراین، ویژگی  $[+کمیت]$  در موضوع درونی تا زمان ادغام گروه نمودی هیچ نقشی در خوانش نمودی ندارد. پس دامنه خوانش نمودی فقط محدود به گروه نمودی و هسته آن بوده و حداقلی است. با حرکت گروه اسمی «یک موش» به مشخص‌گر گروه نمودی، مشخصه  $e$  روی هسته نمودی به مشارکت‌کننده‌ای در دامنه خوانش نمودی تبدیل خواهد شد، با گروه نمودی پیشینه هم‌نمایه می‌شود و دامنه خوانش نمودی گسترش می‌یابد. از آنجاکه هردو زیررویداد «آغاز» و «پایان» در دامنه خوانش نمودی واقع می‌شوند، رویداد توصیف‌شده نهایت‌پذیر خواهد بود.

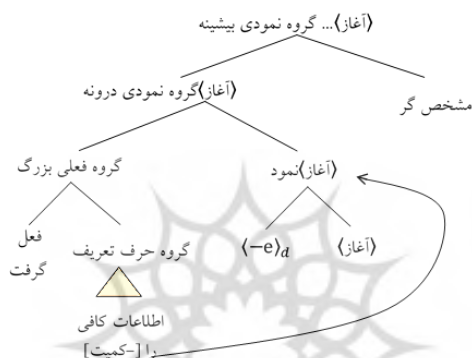


شکل (۱۱). دامنه خوانش نمودی گسترده در محمول حصولی با موضوع درونی کمیت‌دار (یافته‌های پژوهش)

حال براساس مثال زیر، چگونگی اشتقاق محمول حصولی با موضوع درونی اسم شمارش ناپذیر تشریح خواهد شد.

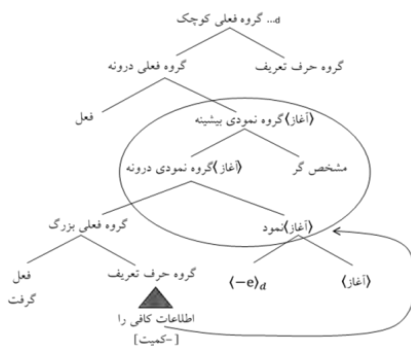
(۱۵) آرشا اطلاعات کافی را گرفت.

اشتقاق نحوی جمله (۱۵) تا زمان ادغام موضوع درونی شبیه به جمله (۱۴) خواهد بود و زمانی که هسته گروه نمود ادغام گردد، این هسته دامنه خوانش نمودی را تعریف می‌کند که محدود به گروه نمودی و هسته آن است.



شکل (۱۲). اشتقاق جمله «آرشا اطلاعات کافی را گرفت» (یافته‌های پژوهش)

با حرکت گروه اسمی واقع در جایگاه موضوع درونی (اطلاعات کافی) به هسته گروه نمودی، دامنه خوانش محدود به گروه نمودی و هسته آن باقی می‌ماند و مشخصه  $<e>$  روی هسته نمودی هیچ خوانشی دریافت نمی‌کند؛ سپس این مشخصه با گروه فعلی کوچک در حوزه بالاتر از دامنه خوانش هم‌نمایه می‌گردد (نمایه  $d$ ) و در نهایت، دامنه خوانش به ویژگی «آغاز» محدود می‌شود؛ بنابراین، دامنه خوانش نمودی کمینه و رویداد نهایت ناپذیر خواهد بود.



شکل (۱۳). دامنه خوانش نمودی کمینه در محمول حصولی با موضوع درونی شمارش ناپذیر (یافته‌های پژوهش)

از مجموع بحث‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که بر اثر تعامل ویژگی‌های مستقل نمود واژگانی، دو نوع دامنه خوانش نمودی کمینه و گسترده شکل می‌گیرد. دامنه خوانش کمینه فقط شامل فرافکن گروه نمودی و هسته آن است؛ اما دامنه خوانش گسترده شامل فرافکن گروه نمودی و هر آن چیزی است که در پایین آن (گستره) قرار می‌گیرد. در شکل‌های زیر این دو نوع دامنه به تصویر درآمده‌اند.



شکل (۱۴). دامنه خوانش نمودی کمینه (یافته‌های پژوهش)



شکل (۱۵). دامنه خوانش نمودی گسترده (یافته‌های پژوهش)

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

در نوشتار پیش رو براساس نظرات مک‌دونالد (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) که در چارچوب کلی برنامه کمینه‌گرا ارائه شده است، به بررسی دامنه خوانش نمودی در محمول‌های حصولی و غایت‌مند در زبان فارسی پرداخته شد. بررسی مثال‌های متعدد از زبان فارسی نشان داد که در فرایند تشکیل دامنه خوانش نمودی، اگر موضوع درونی از نوع اسم کمیت‌دار یا اسم جمع عریان باشد، مشخصه نامعین با گروه نمودی هم‌نمایه می‌گردد و در نتیجه، دامنه خوانش نمودی گسترده تشکیل می‌شود؛ اما اگر موضوع درونی از نوع

اسم شمارش‌ناپذیر باشد، با گروه فعلی کوچک هم‌نمایه می‌گردد و دامنه خوانش نمودی کمینه تشکیل می‌شود؛ افزون بر این، نتایج بررسی‌ها بیان‌گر آن است که وجود یا فقدان ویژگی [کمیت] در گروه اسمی حاضر در جایگاه موضوع درونی به‌تنهایی تعیین‌کننده دامنه خوانش نمودی نیست، بلکه حضور گروه نمود و جایگاه موضوع درونی پس از حرکت در نمودار درختی نیز در تعیین این دامنه اثرگذار است؛ بنابراین، همان‌گونه که در مثال‌های پژوهش دیده شد، بافت و موضوعات درونی می‌توانند طبقه‌بندی محمول‌های نمودی را دست‌خوش تغییر کنند؛ برای مثال، محمول‌های حصولی و غایت‌مند که براساس داشتن مشخصه‌های «آغاز» و «پایان» در طبقه‌بندی نحوی نهایت‌پذیر قرار می‌گیرند، در کنار موضوع درونی شمارش‌ناپذیر، رویدادی نهایت‌ناپذیر را توصیف می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر، وجود محدودیت در جایگاه زیررویداد «آغاز» در همه محمول‌های نمودی است که باعث کاهش ارتباطات نحوی منطقی بین دو زیررویداد «آغاز» و «پایان» می‌شود و این نکته در راستای تأیید ویژگی اقتصاد زبانی برنامه کمینه‌گرا است. یافته‌های پژوهش با دیدگاه مک‌دونالد (۲۰۰۶ و ۲۰۰۸) هم‌سو است و نشان می‌دهد که دیدگاه مک‌دونالد توانایی تبیین داده‌های زبان فارسی را دارد و می‌تواند چگونگی تشکیل دامنه خوانش نمودی را در محمول‌های حصولی و غایت‌مند این زبان توضیح دهد.

### منابع

- ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۰). انواع نمود واژگانی در افعال فارسی. *مجله ادب فارسی*، ۱ (۶)، ۱۰۱-۱۲۰.
- چراغی، زهرا؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۹۲). طبقه‌بندی افعال زبان فارسی براساس ساخت رویدادی و نمودی. *پژوهش‌های زبانی*، ۴ (۲)، ۴۱-۶۰.
- درزی، علی (۱۳۸۸). حالت و تطابق در ساخت ارتقا از درون جملات خودایستا. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۶۰ (۱۸۹)، ۷۳-۱۰۹.
- گلغام، ارسلان (۱۳۸۵). *اصول دستور زبان*. تهران: سمت.
- مفیدی نیستانک، روح‌اله (۱۳۹۰). *ساخت رویداد و عوامل سازنده آن در زبان فارسی*. رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- میرعمادی، علی (۱۳۷۹). *نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی*. تهران: نشر فرهیخته.

### References

- Abolhassani Chimeh, Z. (2011). Types Of Lexical Aspect in Persian Verbs. *Persian literature journal*, 1 (6), 123-197 (In Persian).
- Adger, D. (2003). *Core Syntax: A Minimalist Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Baker, M. (2015). *Case: its principle and its Parameters*. Cambridge: Cambridge

- University Press.
- Baker, M., & Vinokurova, N. (2010). Two Modalities of Case Assignment: Case in Sakha. *Natural Language & Linguistic Theory*, 28, 593–642.
- Bobaljik, J. D. (2006). *Where's phi? Agreement as a post-syntactic operation*. Ms. Thesis. University of Connecticut.
- Borer, H. (1994). The projection of arguments. In E. Benedicto & J. Runner (Eds.), *University of Massachusettes Occasional Papers 17* (Pp. 19-47). Massachusetts: Amherst.
- Brown, K., & Miller, J. (2013). *The Cambridge Dictionary of Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cheraghi, Z. & Karimi Dostan, Gh. (2013). The Classification of Persian Verbs based on eventual and aspectual structure. *Language researches*, 4 (2), 41-60 (In Persian).
- Čok, T. (2020). Lexical aspect classification for unrelated languages: a case study on Slovenian and Chinese lexical aspect. *Acta Linguistica Asiatica*, 10 (2), 49-64.
- Comrie, B. (1976). *Aspect: An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2012). *Verbs: aspect and causal structure*. Oxford: Oxford University Press.
- Darzi, A. (2009). Case and Agreement in raising structure in finite sentences. *Faculty of letters and humanities university of Tehran*, 60 (179), 73-109 (In Persian).
- Golfam, A. (2006). *Principle of Grammar*. Tehran: SAMT (In Persian)
- Harley, H. (2005). *The syntax of aspect*. Oxford: Oxford University Press.
- Krifka, M. (1989). Nominal Reference, Temporal Constitution and Qualification in Event Semantics. In R. Bartsch, J. Van Benthem & P. Von Emde Boas (Eds.), *On semantic & Contextual expression* (pp. 75-115). Dordrecht: Foris.
- Larson, R. K. (1988). *On the Double Object Construction*. *Linguistic Inquiry*, 19.3: 335-391.
- MacDonald, J. E. (2006). *The syntax of inner aspect*. Doctoral Dissertation in linguistic. New York: University of Stony Brook.
- MacDonald, J. E. (2008). *Domain of aspectual interpretation*. Amsterdam: Benjamins.
- Miremedi, A. (2001). *Persian and English Syntax through minimalism*. Tehran: Farhikhteh (In Persian).
- Mofidi Neystanak, R. (2011). *Event Structure and its Determinants in Persian*. Doctoral Dissertation in linguistic. Tehran: Tarbiat Modares University (In Persian).
- Radford, A. (2016). *Analysing English sentence (2<sup>nd</sup> ed.)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ramchand, G. (1993). Aspect phrase in modern Scottish Gaelic. In A. Schafer (Ed.), *proceeding of NELS 23* (pp. 415-429). UMass, Amherst: GLSA.
- Ritter, E & Rosen, S. (1998). Delimiting events in Syntax. In M. Butt & W. Geuder (Eds.). *The projection of arguments: Lexical and compositional factor* (Pp. 135-164). Stanford: CSLI.
- Rothstein, S. (2004). *Structuring Event: A study in the Semantics of Lexical aspect*. Oxford: Black well.
- Tenny, C. (1987). *Grammaticalizing aspect and affectedness*. Doctoral Dissertation in linguistics, Boston: MIT.

Travis, L. (1991). *Inner Aspect and the Structure of VP*. Ms. Thesis, McGill University, Toronto, Canada.

Travis, L. (2010). *Inner aspect and the structure of VP*. Montreal: Springer.

Vendler, Z. (1967). *Linguistics in philosophy*. New York: Cornell University Press.

